

بررسی آداب و عادات اجتماعی آسیب‌زنده به اقتصاد دوره قاجار با تکیه بر مندرجات هفته‌نامه حبل‌المتین کلکته

شیرین شریفی*

چکیده

در هر سرزمین مردم گونه‌های به‌خصوص آداب و عادات اجتماعی را دارند که تقریباً در تمامی آن‌ها کم‌وبیش دیده می‌شود. این خصوصیات و عادات نتایج جامعه‌شناسی در بسیاری از ابعاد است. هدف پژوهش حاضر بررسی برخی از این عادات و رفتارهای اجتماعی در جامعه روزگار قاجار است که از منظر آسیب‌رسانی به اقتصاد آن روزگار علل اصلی پژوهش شده است. مطبوعات در جایگاه مهم‌ترین منابع اطلاع‌رسانی در زمانه خویش در تحقیق‌های تاریخ معاصر اهمیت دارند. این مقاله نیز منبع مطالعات خویش را مندرجات هفتگی حبل‌المتین کلکته قرار داده است. هدف اصلی این پژوهش بررسی ریشه‌ها، عوامل، و پی‌آمدهای بازدارنده رشد اقتصادی این‌گونه خصایص و رفتارها در ایران دوره قاجار است.

این مقاله به روش توصیفی - تبیینی و با مطالعه بیش از صدها شماره از هفته‌نامه حبل‌المتین به این نتیجه رسیده است که از دیدگاه حبل‌المتین این خصوصیات و رفتارها در باورهای کهن، سنت‌گرایی، خرافه‌پرستی، برداشت‌های نادرست از آموزه‌های دینی، عدم علم و آگاهی کافی، و در برخی از آن‌ها فخر، مباهات، و زیاده‌خواهی ریشه داشته است.

کلیدواژه‌ها: آداب، عادات اجتماعی، آسیب، قاجار، اقتصاد، هفته‌نامه حبل‌المتین.

* دکترای تاریخ ایران اسلامی، دبیر دبیرستان و مدرس دانشگاه فرهنگیان (امیرکبیر استان البرز)،
sh-sharifi4747@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۴

۱. مقدمه

عادات و اخلاق اجتماعی برگرفته از فرهنگ آن جامعه است. اگر فرهنگی عناصر پویا و خلاق داشته باشد موجب توسعه و بالندگی آن سرزمین در تمامی زمینه‌ها از جمله اقتصاد آن خواهد بود، عکس این موضوع نیز صادق است. این عناصر چگونه می‌توانند در فراز و فرود اقتصادی ملت‌ها تأثیر گذارند و موجبات توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی آن را فراهم کنند؟

در بررسی پیشرفت یا عدم پیشرفت اقتصادی هر کشور دلایلی مانند عقب‌ماندگی در سه بخش مهم کشاورزی، تجارت، و صنعت از عمده علت‌هاست. اما باید توجه داشت که خلیقات، عادات اجتماعی، و رفتارهای هر ملت در کنار دلایل ذکر شده قابل چشم‌پوشی نیست. برخی از این عادات و رفتارها در هر سرزمینی نهادینه شده و به‌ارث رسیده است، اما نمی‌توان نقش دولت‌ها را در پدید آمدن این گونه عناصر فرهنگی تأثیرگذار در اقتصاد نادیده انگاشت. آغاز و انجام تاریخ ایران داستانی تکراری است. با نگاهی اجمالی به تاریخ هر سرزمین، به‌خوبی می‌توان پی‌برد تا زمان حمایت دولت‌ها از فرهنگ پویای رشد اقتصادی در مملکت خویش از مواهب توسعه نیز برخوردار بوده‌اند و به‌هنگام انحطاط در این زمینه به زانو درآمده و دچار مشکلات اقتصادی شده‌اند. دوره قاجار نیز از این قاعده مستثنا نبود. دریافت‌های اشتباه از فرهنگ، مذهب، امرار معاش، بهداشت، نظافت، و... از جانب مردم عادی و حکومت مؤلفه نگاه‌دارنده از مصیبت‌هایی بود که در کنار بسیاری از علت‌ها بر پیکر بیمار اقتصاد آن روزگار وارد می‌آمد. در پژوهش‌های اقتصادی این بُعد کم‌تر بررسی شده، شاید به‌علت این‌که در عوامل سبب‌ساز فرعی‌تر و جزئی‌تر قرار گرفته است.

ثبت این‌گونه موارد را بیش‌تر می‌توان در سفرنامه‌ها و خاطرات دید که اغلب بیگانگان نوشته‌اند. ذکر این نکته ضروری است که به‌هنگام مطالعه خاطرات و سفرنامه‌ها باید احتیاط را رعایت کرد، زیرا نوشته‌های برخی از آنان، به‌خصوص در مسائل دینی، همراه با تعصب و سطحی‌نگری است.

نشریات را می‌توان مستدل‌ترین و معتمدترین منابع برای مطالعه عادات و رفتارهای اجتماعی هر جامعه‌ای در هر مقطع زمانی در تاریخ معاصر دانست.

هفته‌نامه *حبل‌المتین* از نشریات معتبر دوره قاجار است که در کلکته هندوستان از سال ۱۲۷۲ش/۱۸۹۳م تا ۱۳۰۹ش/۱۹۳۰م چاپ و در ایران و برخی از کشورهای همسایه توزیع می‌شد.

بسیاری از پژوهش‌گران و صاحب‌نظران، که مطالعات ارجمندی درباره هفته‌نامه *حبل‌المتین* داشته‌اند، اذعان می‌کنند با وجودی که سیدجلال‌الدین خود در کسوت روحانی‌ای مذهبی بود، با توجه به عقب‌ماندگی تفکر مذهبی ایرانیان، در روشن‌فکری دینی و کنار نهادن انزواطلبی و دنیاگریزی نامعقول سعی وافر داشت. برداشت‌ها و دریافت‌های اشتباه از آموزه‌های دینی در باورهای کهن ایرانی ریشه داشت. مورخ این دوران باید تصویری درست از روزگار زمان مورد تحقیق داشته باشد تا بتواند قضاوتی صحیح ارائه دهد. آیا این عادات و رفتارها به‌طور عمده از عقاید و باورهای مذهبی برمی‌خواست؟ بی‌شک پاسخ این سؤال منفی است. اما لااقل نگارنده چنین دریافت می‌کند که مکاتبان، ارسال‌کنندگان، و دست‌اندرکاران نشریه بیش‌تر موضعات را ساده‌انگارانه و از دید دین و مذهب کاوش و بررسی کرده‌اند و منصفانه است اگر بگوییم تلاش مؤیدالاسلام و همکاران وی در ایجاد قرائتی جدید از دین و روشن‌فکری دینی در ایرانیان آن دوره همواره مورد نظر بوده است. دور از حقیقت نیست اگر بگوییم که *حبل‌المتین* با دل‌سوزی تمام در کنار جنبه‌های دینی، فرهنگی، و اجتماعی رسالت عظیمی را در بهبود اوضاع نابه‌سامان اقتصادی آن دوران با خود حمل می‌کرده و هرگز از این موضوع مهم غافل نبوده است. اصرار مؤیدالاسلام بر این بود که انقلاب فرهنگی در ایران، که نیاز شدید به آن حس می‌شد، فقط بایستی در سایه جراید تولید شود. ارسال‌کنندگان مکتوبات، که تعداد چشم‌گیری از آنان شب و روز خود را در بین هم‌وطنان خود، که آلوده این‌گونه عادات و رفتارها بودند، گذرانده و می‌توان گفت از طبقه آگاه و روشن‌فکر جامعه خویش بودند و درک عمیقی از این‌گونه مسائل داشتند با اطلاع‌رسانی و استمدادطلبی کارگزاران *حبل‌المتین* را در این راه تشویق کردند و یاری رساندند.

این مقاله، همان‌طور که از عنوان آن پیداست، برخی از عادات و رفتارهای اجتماعی ایرانیان در دوره قاجار را براساس مندرجات هفته‌نامه *حبل‌المتین* کلکته بررسی می‌کند؛ خلیقات و عاداتی که اثری بازدارنده در پیشرفت اقتصادی آن عصر همراه دیگر عوامل داشته است. پرسش اصلی تحقیق این‌که عادات و رفتارهای اجتماعی آسیب‌زننده به اقتصاد از دیدگاه نویسندگان نشریه چه ویژگی‌هایی دارد؛ به‌عبارت‌دیگر، در پی تبیین موضوعات زیریم:

۱. چگونگی و چرایی ریشه‌های این عادات و رفتارها از نگاه *حبل‌المتین*؛
۲. پی‌آمدهای بازدارنده این عوامل در اقتصاد آن روزگار؛
۳. نقش حکومت در رواج و تأیید این عادات؛
۴. پیش‌نهادهای راه‌حل‌های نویسندگان و دست‌اندرکاران *حبل‌المتین* درباره این موضوع.

۲. پیشینه تحقیق

چنان‌که در مقدمه گفته شد، سفرنامه‌ها از مهم‌ترین منابع موضوع موردنظرند که مأموران، سفیران، و کاوش‌گران، که هر یک با هدف معینی پا به ایران گذارده‌اند، با عناوین مختلف نوشته‌های خود را تحریر کرده‌اند. از میان این کتب می‌توان به *ایران و قضیه ایران* (کرزن ۱۳۶۷: ج ۱ و ۲)، *سفرنامه پولاک* (پولاک ۱۳۳۸)، و *از شوش تا کله* (دیولافوآ ۱۳۷۱) اشاره کرد. روشن‌فکران ایرانی نیز با نگارش چندین سفرنامه توانسته‌اند با درک عمیق و صحیح آن روزگار توصیفی باارزش از جامعه آن دوره ارائه دهند. *سفرنامه ابراهیم‌بیگ* (مراغه‌ای ۱۳۲۳) پیش‌تاز تمامی تألیفات در این زمینه است. هم‌چنین *سفرنامه حاج‌سیاح* (حاج‌سیاح ۱۳۵۹) در نوع خود بسیار باارزش است. علاوه‌براین، در کتاب‌هایی با موضوعات اقتصادی می‌توان مطالبی در رابطه با پژوهش موردنظر یافت. *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم* (عسیوی ۱۳۸۸) از جمله این کتب ارزش‌مند است. سلامت مردم در *ایران قاجار* (فلور ۱۳۸۶) نیز در بخشی از این پژوهش یاری‌رسان است.

از مهم‌ترین تحقیقات و پژوهش‌ها درباره اندیشه‌های *حبل‌المتین* و مفاهیم مرتبط با موضوع این مقاله می‌توان به مقاله «موانع اجتماعی - فرهنگی تشکیل شرکت و تأسیس کارخانه در ایران عصر قاجار» نوشته عبدالمهدی رجایی (۱۳۹۳) اشاره کرد. نویسنده در توضیح دلایل توسعه‌نیافتگی ایران، به‌خصوص در بخش خصلت‌های ایرانی که مغایر با فعالیت جمعی اقتصادی است، از دیدگاه‌های نشریات متعدد و به‌خصوص هفته‌نامه *حبل‌المتین* استفاده فراوان برده است. مقاله «بررسی حمل‌ونقل در دوران قاجار و تأثیر آن در تجارت» براساس مندرجات هفته‌نامه *حبل‌المتین* به‌دست نگارنده و همکاری غلام‌حسین زرگری‌نژاد و سینا فروزش (۱۳۹۵) تهیه شده که در بخشی از آن خصوصیات غیراقتصادی بخشی از جامعه و پی‌آمد آن در اقتصاد را بررسی کرده است. هم‌چنین در مقاله‌ای دیگر از کار مشترک همین نویسنده با آقایان غلام‌حسین زرگری‌نژاد و سینا فروزش (۱۳۹۶) با نام «بررسی وضعیت معادن در دوره قاجار با تکیه بر مندرجات روزنامه *حبل‌المتین* کلکته» می‌توان در انتقاد از دیدگاه و عملکرد مردم جامعه آن روزگار در عدم بازدهی اقتصادی معادن مطالبی با مضمون مقاله حاضر یافت.

از نزدیک‌ترین موضوعات مقاله پیش‌رو می‌توان از مقاله «بررسی مسائل اجتماعی ایران در *حبل‌المتین*» نوشته نظام بهرامی کمیل (۱۳۸۸) نام برد که در آن عادات اجتماعی ایرانیان آن روزگار را از نگاه هفته‌نامه *حبل‌المتین* بررسی کرده است. از متأخران و به‌روزترین

مقالات هم‌راستا با مقاله حاضر مقاله «تحلیل رویکرد و راه‌کار روزنامه حبل‌المتین کلکته درقبال ترقی و علوم جدید (۱۳۱۳-۱۳۲۸ق) براساس نظریه انتقادی» نوشته مهدی فرجی (۱۳۹۸) است که در قسمت آسیب‌های جهل و ناآگاهی زعما و مردم عادی هم‌نشین نگارنده است. وجه تمایز و نوآوری این مقاله با پژوهش‌هایی که ذکر آن رفت، موضوع جدید، ملموس، و قابل تأمل آن است که اساس مطالب خود را یکی از معتبرترین نشریات آن دوره قرار داده است. *حبل‌المتین* چهار دهه از زبان مراسله‌کنندگان خویش و سردبیر مطالب و مقالات ارزنده‌ای را از یکی از مقاطع موردتوجه دوره قاجار که نهضت مشروطه نیز در آن می‌گنجد به خوانندگان خویش عرضه می‌دارد و امتیاز نام و عنوان مقاله حاضر در رابطه با *حبل‌المتین* در این است که شتاب‌زدگی و کمبود وقت کافی به‌منظور تجزیه و تحلیل رویدادها، که از نقایص روزنامه‌نگاری است، بحث موردنظر را شامل نمی‌شود. مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق راه‌حل‌های ارائه‌شده برای عادات و رفتار آسیب‌زنده بر اقتصاد از منظر دینی است.

۳. بی‌توجهی به مراقبت‌های بهداشتی

۱.۳ آلودگی آب‌ها

آلودگی آب از مهم‌ترین دلایل انتقال بسیاری از بیماری‌های مسری در جوامع انسانی روزگاران قدیم بود و جامعه عصر قاجار از این مشکل مستثنا نبود.^۱ در مناطق روستایی آب از چاه‌ها، چشمه‌ها، قنات‌ها، یا رودها تأمین می‌شد که همه آن‌ها آلوده بودند. در شهرها آب از جوی‌های آب‌باز، چاه‌ها، و آب‌انبارهای حیاط‌خانه‌ها تأمین می‌شد. با این وضعیت، مالکان خانه‌ها اجازه هیچ اقدام پیش‌گیرانه بهداشتی را نمی‌دادند. نظر آن‌ها با برداشتی اشتباه از شرع اسلامی، که آب روان یا راکد در اندازه‌ای مشخص با عناصر ناپاک آلوده نمی‌شود، تقویت می‌شد. شاید این نظریه از دیدگاه مذهبی درست باشد، اما مسلماً از دیدگاه علم پزشکی جایز نبود (فلور ۱۳۸۶: ۸۲). بدین ترتیب، اگر صدنفر هم در حمام استحمام می‌کردند معمولاً آب تعویض نمی‌شد، زیرا مطابق مقررات مذهبی این آب‌ها باوجود انباشته‌شدن از عناصر گوناگون هرگز ناپاک نمی‌شدند (پولاک ۱۳۸۶: ۲۴۵). نگارنده‌ای نیز در نامه‌ای به *حبل‌المتین* از این‌که آب حمام‌ها چندین ماه یک‌بار نیز عوض نمی‌شود، شکوه دارد (*حبل‌المتین*، ۱۲ ذی‌قعدة ۱۳۱۸: ۱۹). تصویری صادقانه از صاحب‌نظری از حمام‌های آن روزگار در *حبل‌المتین* جالب و خواندنی است. وی می‌نویسد:

... هرکسی از کثافات هواییه یا اسباب‌های دیگری که آن‌ها را ذکر نمی‌کنم مبتلا به مرضی گردد و عده‌گاه حمام‌هاست - حمامی با آن‌که برای العین می‌بینید مریض است محض ده پول که وجه حمام اوست مانع نمی‌شود، لابد این‌گونه معاشرت موجب سرایت مرض می‌گردد... چه عرض کنم که آب خزینه‌ها چه رنگ و تعفنی دارد... اهل ایران عموماً و اهالی این شهر خصوصاً نفرت از این آب‌ها حمامی که خودشان اقلماً صدمرتبه در او بول‌کردن ندارند. لطیف‌تر آن‌که بسیاری را دیده‌ام که آن آب را حین ورود به خزینه لازم می‌شمارند در دهان کرده، بلکه به‌قدری میل فرمایند ... (حبل‌المتین، ۲۶ صفر ۱۳۱۸: ۱۶).

ابراهیم‌بیگ خود شاهد ماجراست و کثیفی و آب‌های حمام‌های ایران را به «پرتاووس» تشبیه می‌کند و قسم می‌خورد که دگر در ایران به حمام نرود^۲ (مراغه‌ای ۱۳۲۳: ۳۴، ۱۴۹). خزانه حمام‌ها از آب‌های آلوده انباشته می‌شد، زیرا خود استفاده‌کنندگان نهرهایی را که تأمین‌کننده منابع آب حمام‌ها بودند به انواع کثافات آلوده می‌کردند (حبل‌المتین، ۱۸ صفر ۱۳۲۳: ۱۰). با این وصف، بسیار عادی جلوه می‌کرد که همه‌ساله چندین نفر بر اثر این سهل‌انگاری و بی‌تدبیری جان می‌سپردند (حبل‌المتین، ۱۷ رمضان ۱۳۲۴: ۲۱). چنان‌که ملاحظه می‌شود، مکاتبان در این گزارش‌ها بیش‌تر جنبه‌های فردی و اخلاقی افراد جامعه را بررسی کرده‌اند و عناصر مذهبی در لایه‌های پنهان این‌گونه نظریات جای دارد، زیرا جنبه‌های دینی و سوءبرداشت از دستورهای شریعت در این امر را می‌توان تسهیل‌کننده رفتارهای نابخردانه ایرانیان در زمینه بهداشت دانست. گفتنی است که نگاه مراسله‌کنندگان ساختارمحور نبوده است و تکیه بر خصایص فردی از ارزش انتقاد آن‌ها می‌کاهد.

۲.۳ رعایت‌نکردن بهداشت فردی

بهداشت فردی به اقدامات محافظت‌کننده‌ای گفته می‌شود که مسئول رعایت آن بیش‌تر خود فرد است و باعث ارتقای سلامت شخص و محدودکردن انتشار بیماری عفونی به‌خصوص بیماری‌هایی از نوع تماس مستقیم می‌شود.

در دوره قاجار، مردم از گستره وسیعی از بیماری‌ها در رنج بودند که درمقابل زیرساخت‌های سنتی موجود درمان‌های مؤثر ناچیزی را ارائه می‌دادند. علت این مصیبت طبی نبود به‌سازی و شرایط بهداشت فردی بود که مردم در آن زندگی می‌کردند و از شیوه

اجتماعی و چگونگی لباس‌پوشیدن آن‌ها نشئت می‌گرفت (فلور ۱۳۸۶: ۲۱۶). ویا، طاعون، و پس از آن آبله از بیماری‌های شایع در آن دوره بود که نه فقط در ایران بلکه در بسیاری از نقاط دنیا انسان‌های زیادی جان خود را از دست می‌دادند. در سال‌های انتشار *حبل‌المتین* بارها و بارها شیوع این بیماری مشاهده و در *حبل‌المتین* درج شد.^۳ بندر بوشهر از آسیب‌پذیرترین بنا‌داری بود که بیماری از این مکان به دیگر مناطق ایران سرایت می‌کرد.^۴ بهداشت بنادر وضعیت بسیار نامساعدی داشت و این نبود، مگر از بی‌اعتنایی کارکنان، تاجران، و مردمی که در آن‌جا زندگی می‌کردند. *حبل‌المتین* اعتقاد داشت: «... کثافت بنادر ایران در تمام عالم ممتاز است و از تمام دکتران این مرض را از تعفن هوایی که از غلظت و کثافت تولید می‌شود دانسته‌اند» (*حبل‌المتین*، ۲۱ شعبان ۱۳۱۴: ۱۱۹).

۳.۳ ترویج عقاید خرافی

از خصوصیات فردی و جمعی جامعه روزگار قاجار پناه‌بردن به عقاید خرافی و علل ماورای طبیعی بود. این امر را می‌توان راه‌گزینی از نداشتن دانش طبابت و کمبود امکانات درمانی، خامی، بی‌اطلاعی، ترس از موهومات، و غیرتخصصی‌شدن اندیشه دانست. گاه‌وبی‌گاه حتی حس دل‌سوزی بیگانگان را برمی‌انگیخت تا به‌یاری آنان بشتابند (*حبل‌المتین*، ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۲۳: ۸). *حبل‌المتین* مردم نادان آن روزگار را سرزنش می‌کرد که از درمان بیماری خود به‌دست مأموران ابا داشتند و بر باورها و موهومات پیشینیان خویش پافشاری می‌کردند و توصیه‌های بهداشتی را رعایت نمی‌کردند. از مزیت جهالت گاه خانواده بیمار اجرای مراسم مذهبی را بر چاره‌جویی عقلانی و رفع بیماری ترجیح می‌داد. در جایی از *حبل‌المتین* به‌هنگام بروز طاعون می‌خوانیم:

... مردم مانند سابق به روضه‌خوانی و توسل به سیدالشهدا علیه‌السلام اشتغال ورزیده، ولی هیچ در فکر نظیف شهر که کثافت فوق‌العاده باعث تولید این مرض شده نیستند و از حماقت خود را به چاه افکنده متوسل به ائمه هدی می‌شوند (*حبل‌المتین*، جمادی‌الاول ۱۳۲۹: ۱۹).

۴.۳ باورهای مذهبی آمیخته با تعصب

باورهای مذهبی آمیخته با تعصب و ناآگاهی مصیبت‌دیگری در این راه بود. قوانین سخت و تغییرناپذیر موقوفات نیز پی‌آمدهای نامطلوب خود را داشت. برای مثال،

هنگامی که حکومت مراغه تصمیم گرفت دباغ‌خانه‌ها را، که مورث امراض مختلف بودند، به خارج شهر منتقل کند، متولیان مخالفت شدیدی کردند و مانع شدند، زیرا دکان‌ها و دباغ‌خانه‌های وقف مساجد با این کار خالی می‌ماند و به موقوفات ضرر می‌رسید (حبل‌المتین، ۳ صفر ۱۳۲۵: ۱۴).

در این شکواییه‌ها نیز ریشه‌ها و علل مصائب به تفکرات مذهبی تقلیل یافته است و از نقش حکومت در این‌گونه مشکلات غافل مانده‌اند. در حالی که در همان زمان در کشورهای پیشرفته جهان دولت‌ها مسئولیت‌های بیش‌تری در قبال بهداشت جامعه ایران داشتند. برخی از مراسله‌کنندگان حبل‌المتین از کشورهای بیگانه بودند و وضعیت بهداشتی ایران را با سرزمین‌های دیگر در نوشته‌های خود توصیف می‌کردند تا شاید دولت‌مردان و خوانندگان ایرانی را به فکر چاره وادارند و آگاه کنند. یکی از نمایندگان ایران در عثمانی پس از این‌که رشد علم آبله‌کوبی را در عثمانی موفق می‌داند از ایرانیان انتقاد می‌کند: «... دانسته و فهمیده ایرانی‌ها جگر پاره‌های خودشان را گرفتار مرگ ناگهانی نموده نعوذبالله نسبت به قضا و قدر می‌دهند...» (حبل‌المتین، ۲۶ رمضان ۱۳۲۲: ۱۰). تقدیرگرایی و اعتقاد ساده‌لوحانه به خواست خداوند بدون دخالت و اراده انسان بلایی بود که از دیرزمان گریبان ایرانیان را گرفته بود و کم‌وبیش اکنون نیز مشاهده می‌شود. این عقیده سبب می‌شود تا انسان مسئولیت و عواقب رفتارها و اعمال خویش را نادیده بگیرد و علت آن‌ها را از جایی دیگر بجوید.

۵.۳ نقش حکومت در عقب‌ماندگی سلامت و بهداشت

نقش حکومت در عوامل و ریشه‌های بروز بیماری‌ها انکارناپذیر بود. از مهم‌ترین وظایف حکومت هنگام شیوع بیماری قرنطینه بود که در بسیاری اوقات به‌علت نبود مدیریت و سوءتفاهم حکام محلی یا انجام نمی‌شد یا در اجرای آن تعلل و کوتاهی می‌شد، چنان‌که بسیاری اوقات باوجود دستور کنترل و قرنطینه بیماری به‌سرعت به شهرهای دیگر سرایت می‌کرد (دولت‌آبادی ۱۳۶۲: ۳۵).

حبل‌المتین بسیار متأثر بود که هشدار وی در سه سال مبنی بر علاج و کنترل بیماری طاعون هیچ‌گونه بازخوردی نداشته است و به‌زعم حبل‌المتین بی‌توجهی حکام عاقبت این نتیجه را به‌دنبال داشت که انگلیس بر رعیت ایران در بوشهر سخت می‌گیرد و هر قانونی می‌گذارد و این نتیجه بی‌اعتنایی دولت است. «... امروز مثل مردمان کور و کر آن‌چه دشمنان ما می‌گویند تصدیق نماییم...» (حبل‌المتین، ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷: ۴۷۵). شاید مراسله‌کنندگان

این متون با هم‌فکری دست‌اندرکاران و سردبیر *حبل‌المتین* در این مواضع متوجه علت انکارناپذیر کوتاهی حکومت شده‌اند و تا بدان‌جا پیش رفته‌اند که قصور آن‌ها را حتی در زمینه بهداشت عامل دخالت دولت‌های بیگانه فرض کرده‌اند. البته در این مورد نیز جانب احتیاط را رعایت کرده، پیکان انتقاد خود را به حکام محلی نشانه گرفته، و خود را از قهر رأس هرم در حکومت محفوظ داشته‌اند.

باید تصدیق کرد مواردی نیز دیده می‌شد که حاکمان و رؤسای نظمی شهرهای گوناگون دست به اقداماتی می‌زدند، اما سستی و بی‌اعتنایی ساکنان مانع از همکاری آن‌ها می‌شد و اقدامات سترون می‌ماند^۵ (*حبل‌المتین*، ۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۳: ۱۱). حتی بعضی مواقع معاندت‌های شخصی و حسادت‌ها در مقام تخریب و تضییع خیران به این امور برمی‌آمدند که *حبل‌المتین* آن را از خلیقات بی‌انصافی مردمان کشورش می‌داند (*حبل‌المتین*، ۱۸ صفر ۱۳۲۳: ۱۰).

با مروری بر مطالب می‌توان گفت که در عصر قاجار وضعیت بهداشتی مانند دوره‌های پیش در سطح نازلی قرار داشت و رعایت بهداشت فردی و عمومی در جامعه جایگاه شایسته‌ای نداشت و فقط در اجرای احکام شرعی و دستورهای اسلامی طهارت و پاکیزگی به‌هنگام عبادات شرعی و بهداشت فردی آن‌هم ناقص اجرا می‌شد. شیوع بیماری‌های مسری بر اثر آب‌های آلوده باعث مرگ تعداد زیادی از ایرانیان شد و در نهایت به کاهش محسوس جمعیت در عصر قاجار انجامید. این نظریه نیز گفتنی است که نویسندگان *حبل‌المتین* بر این اندیشه اصرار می‌ورزیدند که ضعف جامعه و حکومت ایران در اجرای قوانین بهداشتی و آثار آن بهانه‌ای دیگر را برای حضور بیگانگان، به‌خصوص در جنوب کشور، فراهم کرد.

۴. تن‌پروری و بی‌کاری

۱.۴ درک نادرست از آموزه‌های دینی

عقاید و آموزه‌های دینی مبتنی بر ترک دنیا و معیشت، روی آوردن به آخرت به‌شکل افراطی برپایه برداشت‌ها و قرائت‌های اشتباه از آموزه‌های دین اسلام، و تقدیرگرایی در کسب روزی و باور به آن از جمله بهانه‌های ایرانیان در تکاپو نداشتن کافی و وافر در ثروت‌اندوزی و گذران معیشت بود. خط فکری و باور اعتقادی مسئولان *حبل‌المتین* و نگارنده‌های مقالات آن در سراسر سال‌های انتشار حاکی از مبارزه با این‌گونه عقاید سستی‌پسند بود. چنین برداشت می‌شود که آنان با درک صحیح از مرزهای شایسته دنیا و آخرت و

گرایش‌های روشن‌فکری دینی هرگز تسلیم این‌گونه دریافت‌های غلط نشدند و همواره دیگران را به امور اقتصادی و دنیوی ترغیب و تشویق کرده‌اند. در نامه‌ای با توسل به تعلیمات پیامبر در پی رد این‌گونه ساده‌انگاری‌ها می‌نویسد: «... پیامبر هرگز دست روی دست نهادند و فرمودند آنچه کردگار خواسته است همان می‌شود...» (حبل‌المتین، ۱۷ رمضان ۱۳۱۶: ۱۳۸) و در ادامه اشاره می‌کند برخی عقیده دارند پیامبر اسلام (ص) ایرانیان را نفرین کرده و بر مسلمان‌شدن آن‌ها در زمان‌های بعد واقف نبوده و بدین دلیل است که ایرانیان دچار فقر و نکبت شده‌اند. پس زبان به اعتراض می‌گشاید: «... صدها هزار نفرین بر چنین اعتقاد و معتقد...» و ترقی هر قوم را در سایه این نیت مقدس می‌داند که «دنیا مزرعه آخرت است» (همان).

اعتقاد به مشیت الهی در تمامی امور از باورهای حبل‌المتین و نویسندگانش بود، اما حرف آخر آن‌ها این بود: «... تا شخص از امور معاش به یک درجه آسوده نباشد به امور معاد نمی‌تواند پرداخت...» (حبل‌المتین، ۲۲ صفر ۱۳۱۴: ۹). ایرانیان همواره با ملل پیشرفته مقایسه می‌شدند و سستی و کاهلی آنان قابل چشم‌پوشی نبود. هندوستان دفتر حبل‌المتین بود و تغییرات چشم‌گیری در نتیجه حضور انگلیس مشاهده می‌شد. همواره بازرگانان هندی و همت آنان با هدف بیداری تجار ایرانی مثال زده می‌شد. تاجران ایرانی متهم بودند که به کارهای ذلیل و پست قانع شده‌اند و به آنان فخر و مباهات می‌ورزند (حبل‌المتین، ۱۵ صفر ۱۳۱۴: ۱۰).

۲.۴ رفتارهای به‌ظاهر دینی و ضد اقتصادی

تفکرات و رفتارهای دینی ولی ضد اقتصادی از عوامل بازدارنده در تکاپو و تلاش در اندوخت سرمایه بود. دست‌آویزهای مذهبی را شاید بتوان از برجسته‌ترین بهانه افراد با عناوین زهدپرستی و فضایل اخلاقی دانست که مردم عادی را به راحتی به کمک‌رسانی مادی به این‌گونه افراد ترغیب می‌کرد و حتی آنان را از اعانت و یاری خویش بسیار خشنود می‌کرد، چنان‌که بر آن مباهات می‌کردند. آستان مقدس ثامن‌الحجج از افرادی مشحون بود که به دلیل تنبلی و بی‌عاری دست از کار کشیده «... و به همان وظیفه آستانه قناعت» می‌کردند. در مقاله‌ای نگارنده آنان را نفرین کرده و می‌نویسد: «... خداوند وجودشان را بلکه سببشان را از زمین محو فرماید...» (حبل‌المتین، ۱۲ رمضان ۱۳۱۷: ۱۲۴). حتی در گزارش‌هایی از شهرها و قصبات دورافتاده ایران مشاهده می‌شد برخی با ساختن امام‌زاده‌های خیالی توجه

مردم عادی و بی‌سواد را جلب می‌کردند و با فریب‌کاری و شعبده‌بازی در آن‌جا از این راه کسب معاش می‌کردند (حبل‌المتین، ۱۸ جمادی‌الاول ۱۳۱۹: ۱۳).

شاید بی‌راه نباشد به نویسندگان حق داد که این‌گونه آسیب‌های اقتصادی را از نگاه فرهنگی و خصوصیات اخلاقی ایرانیان نظاره کنند و اصلاح چنین نمودهای مخرب معیشتی را در فرهنگ اجتماعی آنان بیابند که از لحاظ جغرافیایی مختص کشورهای عقب‌مانده است و اکنون نیز به‌وضوح مشاهده می‌شود.

از نمودهای تبلی و کم‌کاری آن روزگار قهوه‌خانه‌ها بود که امروزه نیز در بعضی از نقاط ایران به همین خصوصیت شناخته می‌شوند، زیرا به‌گفته یکی از معترضان: «... با استماع داستان‌های بی‌مأخذ نقالان مشغول و از صبح تا شام تریاک کشیده و چای خورده روزانه اقلاً دو سه قران مصارف بیهوده می‌نماید و از پی کسب‌وکاری [نمی‌روند]...» (حبل‌المتین، ۸ ذی‌حجه ۱۳۲۴: ۴). مورد قهوه‌خانه‌ها چنان جدی بود که در بعضی ایالات مجالس تجار و اصناف در پی راه‌حلی برای جمع‌آوری این افراد شدند و حبل‌المتین نظریات و دغدغه‌های آن‌ها را ضمن تأیید منتشر می‌کرد (حبل‌المتین، ۸ ذی‌حجه ۱۳۲۴: ۴).

۳.۴ توجه‌نکردن به استعدادها و ذخایر مادی در ایران

ایران سرزمینی با اقلیم و ساخت زمین‌شناسی متنوع است و در قسمت‌های گوناگون آن منابع و استعدادهای فراوانی قرار دارد، اما هنوز امروزه نیز بهره‌برداری بهینه و مطلوب از آن انجام نشده است. بخش کشاورزی نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. حبل‌المتین با دریافت خبرهای متعدد از نواحی گوناگون ایران در این بخش همواره سعی در نشان‌دادن و آگاه‌کردن خوانندگان خویش از این‌گونه الطاف خدادادی کرده است. نگارنده‌ای از مازندران از مردم سرزمین خویش دل‌گیر بود که به بطالت و کسالت عادت کرده‌اند و باین‌که اغلب میوه‌ها مانند نارنج، لیمو، پرتقال، و انجیر فراوان است، کسی به فکر چیدن و فروش آن‌ها نیست (حبل‌المتین، ۳ رمضان ۱۳۲۴: ۱۴).

فراوانی نعمت فقط مایه بی‌اعتنایی در کسب روزی نبود. در مناطق بیابانی مانند بلوچستان هنگام تقسیم این سرزمین به‌دست انگلیس، مردمان کاهل از جداشدن مناطق بیابانی از ایران بسیار خشنود و راضی بودند، گرچه به‌زعم سردبیر انگلیس آن‌ها را آباد کرد و رونق داد، اما گویا ایرانیان اصولاً بیابان را جزء سرزمین به‌حساب نمی‌آوردند (حبل‌المتین، ۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۳: ۱۳، ۱۴).

درباره ادامه موضوع بالا (نقش نویسندگان) با نگاهی به برخی از مقالات *حبل‌المتین* می‌توان دریافت که نگاه این هفته‌نامه به نویسندگان ایرانی در این زمینه نگاهی انتقادی است، زیرا در نامه‌های مراسله‌کنندگان این نکته محرز است که در کتب چاپ‌شده کم‌تر از موضوعات علمی و امور معیشت دنیوی در انبان نویسندگان یافت می‌شود. مقاله‌ای با عنوان «قدر و قسمت علم و دانش» سودی در کتاب‌های منتشرشده نمی‌بیند به غیر این که «... ملت را تحریر بر تنبلی و کاهلی و فسق می‌نماید...» (*حبل‌المتین*، ۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۱۷: ۱۳).

۴.۴ نقش حکومت در پرورش روحیه گدایی

حبل‌المتین حکومت را در پرورش روحیه گدایی در بعضی از اقشار جامعه بی‌تأثیر نمی‌داند. کار دولت ریشه مذهبی و سیاسی داشت. هنگام افتتاح مجلس اول با یک حساب سرانگشتی دولت سالیانه چهل هزار تومان به موجب‌بگیران مستمری می‌داد. اقدام احمقانه‌ای که در هیچ‌یک از دول متمدن نظیر آن یافت نمی‌شد. شاید بتوان نظر این نگارنده را با احتیاط قبول کرد که این موجب «... اهالی ایران را بی‌کار و کسل و تبیل کرده تمام مردم از اول تا آخر چشمشان به این موجب دوخته و عقب هیچ کاری [نمی‌روند]» (*حبل‌المتین*، ۲۴ صفر ۱۳۲۵: ۱۰). کلمه احتیاط به این دلیل آورده می‌شود که گاه تبیلی و بی‌قیدی در جامعه نوعی مبارزه منفی بود و شامل افرادی می‌شد که با تلاش بسیار با اجحافات مأموران حکومتی نتیجه کم می‌گرفتند و گاه چیزی نمی‌گرفتند^۶ (راوندی ۱۳۸۲: ج ۳، ۱۹۹۰).

مطالب گفته‌شده ما را به این نقطه رهنمون می‌کند که عواملی نظیر درک نادرست از آموزه‌های دینی مبتنی بر ترک دنیا، تلاش نکردن برای کسب معیشت، اعتقاد به مشیت الهی و ترجیح نادرست معاد بر معاش، قناعت و رفتارهای به‌ظاهر دینی اما مخالف با اقتصاد پویا، دست‌آویزهای اشتباه مذهبی بر پایه باورهای سنتی و زهدپرستی، گذراندن اوقات فراغت به بطالت و بیهودگی به جای تلاش و تکاپو، و توجه نکردن به سودآوری ذخایر و استعدادهاى مادی و معنوی ایران و بهره‌برداری از آنها اندیشمندان و نویسندگان *حبل‌المتین* را متوجه این موضوع کرد که از دیدگاه آنان این‌گونه عادات اخلاق ایرانی بود که خاستگاه آن باورهای درونی و آمیزه‌ای از تقدیرگرایی، امنیت‌خواهی، و سازگاری بود. حتی مشاهده می‌شد که گاهی این‌گونه نمودهای رفتاری در تقابل با باورهای اصیل اسلامی درباره ارزش تلاش، تکاپو، و کار نیز بود. از این رو می‌توان گفت که بخش درخور توجهی از باورهایی که

در نگاه اول در ارتباط با دین و دین‌داری افراد تلقی می‌شده از سنت و عرف اجتماعی خود مردم ایران برآمده بود و نتیجه آن عقب‌ماندگی، جاماندن از پیشرفت اقتصادی، و کارآوری استعدادها و نیروهای مؤثر در آن را نشانه می‌گرفت. این‌گونه تعبیرها و جاری‌شدن آن در جامعه درکنار بسیاری از عوامل اصلی و مهم به جامعه‌ای راکد، سست، و بازمانده از اقتصاد کارآمد و سودآور در اواخر قاجار و حادثه مهم جنگ جهانی اول منجر شد.

۵. تجمل‌گرایی در طبقات مختلف اجتماعی

تجمل‌گرایی از پدیده‌های ناهنجار اجتماعی است، هرچند نمی‌توان آن را ردیلت اخلاقی دانست، اما باید اذعان کرد که تأثیر آن از ردیلت اخلاقی در روحیه فرد و جامعه کم‌تر نیست.

این خصیصه را بیش‌تر باید در رفتار دربار، بزرگان، و اعیان جست‌وجو کرد تا طبقات متوسط و فقیر. در رأس تجمل‌گرایی و مصارف بیهوده شاه و سپس درباریان بودند. در رساله *الثالی المربوطه فی جواب المشروطه* پس از شمردن انواع تجمل‌گرایی‌های مضحک شاه می‌نویسد: «... تجملات شخصی سلطنت هرچه باشد و هرقدر بشود ... از رعیت فقیر بیچاره حاصل می‌شود...» (زرگری‌نژاد ۱۳۹۰: ج ۲، ۲۲۰). ناصرالدین‌شاه در سفرهای چندگانه خود به اروپا به‌قدری در خرید اسباب بیهوده افراط کرد که موجب تحریک افراد ناراضی شد (کرزن ۱۳۶۷: ج ۱، ۵۳۱). پس از شاه، بزرگان چنان زندگی می‌کردند که خود را مستحق همه‌گونه تجملات سلطنتی می‌دانستند، چنان‌که سلاطین و حاکمان پیش از آن‌ها این‌گونه اسباب و رفاهیات زندگی نداشتند (حبل‌المتین، ۵ ذی‌قعدة ۱۳۱۸: ۱۱).

به‌طور یقین، در هر زمان و هر جامعه‌ای روحیه تجمل‌گرایی به‌فراخور طبقات به گروه‌های پایین نیز تسری می‌یابد و در این‌گونه خصلت‌ها اشراف و بزرگان موجبات الگوسازی و فرهنگ‌سازی را پدید می‌آورند.

تاجران از برجسته‌ترین این گروه‌های اجتماعی بودند. ابراهیم‌بیگ نیز تاجران تبریزی را سرزنش می‌کند که در ساختن کارخانه‌ها هیچ همت ندارند و در چشم‌وهم‌چشمی و خرید زمین‌ها، دهات، و ساختن عمارت بر یک‌دیگر پیشی می‌گیرند^۷ (مراغه‌ای ۱۳۲۳: ۱۹۲، ۱۹۳). مردم عادی نیز از این‌گونه رفتارهای آسیب‌زنده بر اقتصاد هر مملکت به‌دور نبودند. تمایل به خرید لباس‌های فاخر سبب صرف مبالغ هنگفت در بزازی‌ها و خیاطی‌ها می‌شد. در نوشته‌های *حبل‌المتین* بر این امر افسوس خورده می‌شد، زیرا «... پارچه‌های گران را به حال

فقر پوشیدن دلیل حماقت و سفات [بود]» (حبل‌المتین، ۲۶ محرم ۱۳۲۰: ۱۷). جنبه دیگر موضوع این بود که فرهنگ تقلید از غرب و پوشیدن لباس خارجی به تولیدکنندگان پارچه‌های ایرانی و دست‌اندرکاران شاغل در این صنف آسیب‌های جدی وارد آورده بود (حبل‌المتین، ۹ رجب ۱۳۳۳: ۱۱). در این مسیر زنان پیش‌تاز بودند. صاحب‌اندیشی زنان را سرزنش می‌کند که فرنگیان عقل آنان را به‌سخره گرفته و می‌دانند هر ماه با رنگ و طرح جدید می‌توانند آنان را بفریبند (حبل‌المتین، ۵ ذی‌قعدة ۱۳۱۸: ۱۱).

تجمل‌گرایی به‌وضوح در مسائل مذهبی و دینی نیز رخنه کرده بود. سفرهای زیارتی، حتی با اندک پول، باهدف کسب القابی چون حاجی، کربلایی، و مشهدی تلاش هر قشری از جامعه درجهت فخرفروشی و مباهات بود (حبل‌المتین، ۲۸ ربیع‌الاول ۱۳۱۹: ۵). ارزش موضوعات مطرح‌شده در زمینه تجمل‌گرایی در این نکته نهفته است که نویسندگان به مسائل نگاه کلان و ساختارمحور داشته‌اند و هوشمندانه آن را در طبقات بالای هرم اجتماعی و درانتها در دربار می‌دانستند.

باور به تجمع ثروت به‌دلیل مصرف بی‌رویه، که بیش‌تر مخصوص طبقات مرفه اجتماعی و اقتصادی آن دوره بود، مانع سرمایه‌گذاری‌های در بخش‌های تولیدی، صنعتی، و بسیاری از مراکز سوددهی اقتصادی می‌شد که بازدهی و پول‌آوری آن‌ها می‌توانست باعث رشد صنعت و بی‌نیازی کشور و ازطرفی تأثیرگذاری آن در پیشرفت‌های آینده جامعه آن روزگار باشد.

۶. هزینه‌های زیارت و مراسم مذهبی

۱.۶ عتبات عالیات

۱.۱.۶ افراط و تفریط در زیارت

زیارت ائمه و بزرگان دین اگر با آگاهی و شناخت همراه باشد، عامل حرکت جامعه مسلمانان به‌سوی ساختن دنیایی بهتر، آزادتر، و آبادتر می‌شود، اما اگر از مسیر حقیقی خویش منحرف شود به عامل مخرب اجتماعی و اقتصادی تبدیل خواهد شد. ترویج فرهنگ زیارت ائمه اطهار به‌شکل نامطلوب آن و افراط در این امر در بسیاری موارد با خرافات، کج‌فکری‌ها، کج‌فهمی‌ها، و تعصب واهی و در شکل دنیوی آن کسب شهرت، به‌خصوص در بین بازاریان، همراه بود که نه‌فقط به غنای معنوی افراد یاری نمی‌رساند، بلکه

در موقعیت‌هایی چشم‌وهم‌چشمی‌های دنیوی را به‌هم‌راه داشت و مهم‌ترین زیان آن خرج ثروت ایران و جاری شدن آن به سرزمین عثمانی بود. زائران همواره منابع درآمد شهرهایی چون نجف و کربلا را تشکیل می‌دادند. تعداد افرادی که سالانه به زیارت عتبات عالیات می‌رفتند به یک‌صد هزار نفر می‌رسید (عسیوی ۱۳۸۸: ۱۹۷). این رقم در روزهای خاص از سال هم‌چون عید نوروز به دو برابر نیز می‌رسید.^۸ سه قشر غنی، متوسط‌المال، و فقیر همواره انبوه زائران را تشکیل می‌دادند که کل مخارج آن‌ها بیش از چهار میلیون تومان برآورد می‌شد (همان). این در زمانی بود که سرزمین ایران از هرگونه امکانات خدماتی، بهداشتی، و آموزشی محروم بود و فقر و تنگ‌دستی بسیاری را راهی سرزمین‌های دیگر و به کارهای پست ناچار کرده بود. حکومت قاجار، هم‌چون دوره شاه‌عباس، سیاست‌هایی برای برگرداندن این هزینه و صرف آن در شهرهای مذهبی هم‌چون مشهد و قم اتخاذ کرده بود (همان: ۱۹۵-۱۹۸)، که این تلاش‌ها شرط لازم بود اما کافی نبود.

۲.۱.۶ خروج ثروت از کشور

بسیاری از نویسندگان *حبل‌المتین* به ضررهای این‌گونه اعمال بیهوده پی‌برده بودند و در پی آگاهی‌دادن و جلوگیری از خروج ثروت از کشور بودند. برخی با دادن اعداد و ارقام و حساب و کتاب‌های کامل درصد جلب توجه و هشدار به خوانندگان بودند. مقاله «مکتوب یکی از دانایان» را می‌توان از کامل‌ترین این محاسبات دانست که یک‌یک اعداد تمامی طبقات اجتماعی زائران، هزینه‌های آن‌ها اعم از اقامت، حمل‌ونقل، تعمیر اماکن، حرم، صحن، قبرستان، وجوهات ریخته‌شده داخل ضریح، و... را دقیق محاسبه کرده و درنهایت مبلغ واردشده بر خاک عثمانی را سالانه ۲۵ کرور برآورد کرده بود. «درعوض جز مقداری مهر و تسبیح و بادبزن و مسواک و آب زمزم برنمی‌گردد...» (*حبل‌المتین*، ۱۴ شعبان ۱۳۲۲: ۸، ۹؛ ۲۱ محرم ۱۳۲۶).

حبل‌المتین در مقاله‌ای لقب «یکی از دانایان» را به نگارنده داده است. در این نوشته نازک‌بینی و محاسبات دقیق و مطول نویسنده از توجه جدی وی به آسیب‌های اقتصادی نشان دارد که از سوی مردم ناآگاه آن روزگار به پیکر بی‌رمق جامعه آن روز وارد می‌آورد. مسکوت‌ماندن فلزاتی گران‌بها مانند طلا و نقره، که خرج ضریح‌ها و گنبدها می‌شد، از بلایای اقتصادی دیگر ایران بود. این امر برای آگاهان اقتصادی، که اعتراضات آنان در *حبل‌المتین* درج می‌شد، هرگز دلیل عقلانی نداشت. طلای مانده روی گل‌دسته‌ها و گنبدها هر قدر زیبا و باارزش^۹ دیگر کالای مبادله نبود.

این گونه رفتارها که هیچ تفکر دوران‌دیش و سودآوری نداشت فقط مختص مردم عادی نبود، بلکه در شکل برتر آن و از دیرباز به سلاطین قبل از دوره قاجار مربوط بود که آن‌ها نیز وارثانی وفادار بودند. خوانندگان آگاه می‌دانند که پادشاهان قاجار چه هزینه‌های هنگفتی به منظور مطلق کردن قبور ائمه و امامان به خصوص در عراق از خزانه رعیت بینوا صرف نکرده‌اند. علاوه بر آن، خزاین کربلا و نجف از هدایای پادشاهان شیعی ایرانی اشباع بود. درج این خبر در *حبل‌المتین* و اعتراض ایرانیان گواهی بر این مدعاست. هنگامی که شیخ‌الاسلام اسلامبول فتوا داد که خزاین کربلا و نجف را صرف مدارس و مراکز درمانی کنند، اعتراضات شدیدی از طرف ایرانیان و مقامات ایرانی بر این فتوا وارد شد، زیرا ایرانیان مدعی بودند:

کلیه این خزائن در صدی هشتاد و پنج از پادشاهان و رجال و رعایای ایران است... کیست که فکر شود که تاج‌های عدیده چندین سلاطین ایران با میلیون‌ها جواهرات شاه وارد در این خزائن گذارده شده... (*حبل‌المتین*، ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹: ۱۰).

در زمان‌های بعد نیز اعتراضات ادامه یافت، زیرا به حق ایرانیان ادعای تصاحب این اموال را داشتند.^{۱۰}

۲.۶ حمل جنازه به عتبات عالیات

تبلیغ شفاعت ائمه و امامان شیعه چندان در ایرانیان رخنه کرده بود که آرزوی هر شیعه ایرانی بود که پس از مرگ در جوار مشاهیر متبرکه و عتبات عالیات دفن شود. کثرت قبور اشخاص معروف از شاهان، شاهزادگان، وزرا، رجال، عالمان، و بزرگان تا مردم متوسط در این مکان‌ها تقویت‌کننده و قبولاننده این عقیده است. این اعتقاد و پافشاری حمل اموات را به تجارتمندی پرسود برای اتباع شیعه عثمانی و دولت آن‌ها تبدیل کرده بود.

پولاک از تعصب مردم ثروت‌مند می‌نویسد که جنازه آن‌ها پس از مرگ به عراق منتقل می‌شد و در مکان‌های مقدس مورد نظر آن‌ها دفن می‌شد و قیمت قبور هرچه نزدیک به امام یا امام‌زاده باشد گران‌تر است (پولاک ۱۳۶۸: ۲۵). شاید کم‌تر کسی صحنه‌های حمل این اجساد را ندیده بود و بسیاری از ایرانیان و بیگانگان با آن مواجهه شده بودند (کرزن ۱۳۶۷: ج ۱، ۳۴۷-۳۴۸؛ اوین ۱۳۳۵: ۳۳۹-۳۴۰).

در دین اسلام حرمت اجساد واجب است، اما در مرزهای عثمانی مأموران حکومتی، که به‌زعم *حبل‌المتین* اغلب یهودی یا مسیحی بودند، به آن‌ها اهانت می‌کردند. گویا مأموران

یهودی با میخ‌های آهنی به منظور اطمینان از سالم بودن اجساد رفتار زشت و مشمئزکننده‌ای با آنان داشتند (حبل‌المتین، ۱۲ صفر ۱۳۲۶: ۱۲).

آیا آرامگاه یک جسم در حال فساد و پوسیده می‌توانست سرنوشت زندگی در دنیایی دیگر را رقم بزند یا این‌که چشم‌وهم‌چشمی‌ها، فخرفروشی، و مباحثات چون بیماری خورنده بر جان شاهان شیعه ایرانی و رعیت آن‌ها مسبب این اعمال بود یا هر دو؟ هرچه بود کرورها و میلیون‌ها تومان سود بر جیب دشمنان دینی و سیاسی آنان وارد می‌کرد. مقاله‌ای در *حبل‌المتین* ادعا می‌کرد سالیانه حمل جنازه‌ها یک میلیون و ۷۵ هزار غروش به بودجه مالیة عثمانی می‌افزاید (حبل‌المتین، ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۹: ۱۱).

۳.۶ وضعیت نامساعد مسافران

علاقه وافر بسیاری از شیعیان ایرانی آن‌ها را تشویق می‌کرد، به‌رغم وضعیت معیشتی نامناسب، با اندک سرمایه خود و با هزاران بلا و مصیبت به زیارت پیشوایان محبوب و معصوم خویش بشتابند. کم‌توانی مالی مشکلات بسیاری را بر آنان وارد می‌آورد. بیش‌تر مواقع کشتی‌ها بیش از وزن مطمئن انبوهی از زائران فقیر را با اندک اجرتی به مقصد می‌رساندند و گاه به‌علت ازدحام جمعیت کشتی غرق می‌شد. اگر از بخت بد مسافران فقیر با فصول سرد مواجهه می‌شدند، روزی نبود که «دو نفر یا سه نفر از زوار از گرسنگی و سرما و بیماری تلف نشوند...» (حبل‌المتین، ۱۶ شوال ۱۳۱۹: ۶).

با مطالعه چهار دهه *حبل‌المتین*، هر خواننده‌ای می‌تواند دریابد که این هفته‌نامه رابطه چندان دوستانه‌ای با بسیاری از علما نداشت. انتقاد جسورانه *حبل‌المتین* به علما در این جا نیز ستودنی بود، زیرا آن‌ها را مخاطب قرار می‌داد و سرزنش می‌کرد که فقط وظیفه نماز جماعت را به‌جا آورده‌اند و بی‌اعتنا بر فقرا «بر بستر راحت تکیه زده ابداً اعتنا ندارند...» (همان). فراوان دیده می‌شد بسیاری از این درراه‌ماندگان به‌گدایی رو می‌آوردند و از این راه زندگی را سپری یا هزینه بازگشت خویش را تأمین می‌کردند. *حبل‌المتین* برای رفع این‌گونه لکه‌های ننگ تأسیس «بانک حسینی» را به علما و مردم پیش‌نهاد داد (حبل‌المتین، ۱۳ ربیع‌الاول ۱۳۳۲: ۱۶). در شماره‌های دیگر نیز این پی‌گیری را می‌توان دید، اما این چاره‌اندیشی نیز چون دیگر چاره‌اندیشی‌های دل‌سوزانه و بدون هیچ پشتوانه اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی *حبل‌المتین* بدون هیچ نتیجه‌ای باقی ماند.^{۱۱}

اختصاص حجم وسیعی از مکتوبات چاپ شده در زمینه آسیب‌های اقتصادی به عادات زیارت‌های افراطی و بدون تفکر عمیق مذهبی و رسوم و باورهای موهوم ایرانیان به سرنوشت اجساد پوسیدنی بی‌شک از عمق فاجعه در آن دوران و حساسیت روشن‌فکران و چاره‌اندیشی آنان در این مسئله حاکی است. باتوجه به این که در این زمینه روابط با حکومت عثمانی از ضروریات اندیشیدن در راه حل آن بود، نگارندگان به نقش حکومت کم‌تر توجه می‌کردند و به نصایح اخلاقی در سطح کلان جامعه بسنده می‌کردند. حتی در انتقاد از علما توقعات اساسی و سازنده خود را بازگو نمی‌کردند.

درخاتمه باید گفت که وضعیت زیارت ایرانیان در عتبات عالیات و تعصب در دفن مردگان در این اماکن را نگارندگان *حبل‌المتین* به‌خوبی بیان کرده‌اند، اما مراسله‌کنندگان نتایج اقتصادی این‌گونه رسوم را چندان روشن بررسی نکرده‌اند. به‌هرحال، تأمل در نوشته‌های آنان نشان می‌دهد اندیشه‌های *حبل‌المتین* به‌هیچ‌وجه ضددینی نبوده است و دغدغه آنان نتایج زیان‌بار اقتصادی این‌گونه بدانندیشی‌ها و کج‌اندیشی‌ها بود که آن را نوعی هدردادن سرمایه‌های اقتصادی ایران و خروج آن از کشور و ورود آن به‌خصوص به عثمانی می‌دانستند، زیرا دولت عثمانی از ورود زائران و جنازه‌ها سود سرشاری می‌برد و به‌نوعی رونق اقتصادی شهرهای مذهبی وی مدیون زائران ایرانی اعم از زندگان و مردگان بود. چنان‌که در این ره‌گذر زورگویی‌ها و اجحافات بسیاری در روابط خارجی با ایران اعمال می‌کرد و ناتوانی سیاسی ایران را به‌رخ می‌کشید. درمقابل عایدات ایران از این موضوع خروج ثروت و سرمایه‌های کلان بدون هیچ‌گونه تقویت و پیشرفت اقتصادی نه برای دولت و نه خود مردم بود.

۷. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، که جامعه هدف آن ایران دوره قاجار است، چندین خصلت و آداب را بررسی کردیم که بر اقتصاد آن روزگار تأثیر مخرب و آسیب‌زننده داشت. از آن‌جاکه در هفته‌نامه *حبل‌المتین* این موضوع به‌فراوانی بررسی شده است، اساس و منبع پژوهش خویش را بر مندرجات این هفته‌نامه استوار کردیم.

از نظر دست‌اندرکاران این نشریه، بسیاری از این عادات و رفتارهای فردی و اجتماعی در باورهای نادرست مذهبی ریشه داشت و قرائت نادرست ایرانیان آن روزگار از آموزه‌های دینی سبب بسیاری از این آداب‌ورسوم بود. بسیاری از افرادی که

در رابطه با این موضوعات با نشریه مکتبه داشتند، از دانایان و روشن‌فکران جامعه آن روزگار بودند و به جنبه‌های دیگر این مسائل و مشکلات از قبیل تقدیرگرایی، تن‌پروری، بی‌اعتنایی و کم‌لطفی بزرگان و عناصر حکومتی، و فرهنگ ناصحیح اشاره کرده‌اند. گفتنی است که *حبل‌المتین* از معدود نشریات آن دوران بود که به جریان روشن‌فکری دینی گرایش داشت و به‌هیچ‌وجه با اصول و قواعد دینی سرسبز نداشت. همکاران سیدجلال‌الدین درکنار بسیاری از دغدغه‌های خویش از اوضاع اسفبار آن روزگار همواره نگران وضعیت اقتصادی نابه‌سامان سرزمین خویش بودند. دراصل هدف آنان بهبود وضع اقتصادی ایران بود و طرح این‌گونه موضوعات حاصل دل‌مشغولی‌های آنان در این زمینه بود. با نگاهی به تاریخ این‌گونه مراسلات و باتوجه‌به این‌که نگارنده همه شماره‌های *حبل‌المتین* را تا آخر دوره مطالعه کرده است، می‌توان نتیجه گرفت که قسمت عمده توجه به این موضوعات در بازه‌های زمانی سال‌های پیش از نهضت مشروطه و پس‌از آن است که *حبل‌المتین* درکنار دیگر جریان‌های فکری و درپی اجرای رسالت آگاه‌سازی تفکرات هم‌وطنان خود به چنین موضوعاتی توجهی خاص داشته و آن‌ها را بررسی کرده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. دیولافوآ در سفر خویش تصویری عجیب از آب آشامیدنی روستای مأمونیه ارائه می‌دهد (دیولافوآ ۱۳۷۶: ۷۹).
۲. حاج‌سیاح نیز به‌نماینده‌گی از تمام ایرانیان بر همین عقیده تأکید دارد (حاج‌سیاح ۱۳۵۹: ۳۶).
۳. ازجمله این اشارات می‌توان به تاریخ‌های زیر مراجعه کرد: *حبل‌المتین*، ۱۱ رجب ۱۳۱۵: ۵۲؛ *حبل‌المتین*، ۱۷ صفر ۱۳۱۷: ۳۷۳؛ *حبل‌المتین*، ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۲: ۱۵؛ *حبل‌المتین*، ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۲۹: ۱۴؛ *حبل‌المتین*، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴: ۱۵؛ *حبل‌المتین*، ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ۱۵؛ *حبل‌المتین*، ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹: ۹؛ *حبل‌المتین*، ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹: ۱۱.
۴. در موارد بسیاری *حبل‌المتین* به کلیدی‌بودن این بندر در سرایت بیماری‌ها اشاره کرده است که ازجمله می‌توان به شماره‌های زیر مراجعه کرد: *حبل‌المتین*، ۱۷ صفر ۱۳۱۸: ۳۷۳؛ *حبل‌المتین*، ۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۸: ۱۵؛ *حبل‌المتین*، ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ۱۵.
۵. فوربث - لیث که سال‌ها تنها منبع طب مدرن نزدیک به جمعیت روستایی بود، چنین می‌نویسد:
مردم کاملاً درمورد اصول ابتدایی بهداشت نادان بوده و همه آن‌ها تمام زندگی خود را در محاصره کثافت‌های غیرقابل توصیفی سپری می‌کنند. عقاید نادرست و نهفته در دیرینه آن‌ها درمورد مسائل

- سلامت و بیماری بسیار سخت و دشوار است که زدوده شوند و ثابت شده است. هر تلاشی برای بهبودی شرایطشان امری دشوار است (فلور ۱۳۸۵: ۷۴).
۶. *حبل‌المتین* نیز اشاره می‌کند که مستوفیان و مالیات‌بگیران امور مالیه را مغشوش و عرصه زندگی را بر مردم تنگ می‌کردند:
- ... اکثر مردم ایران از وظایف طبیعه که کسب معاد و معاش است بازمانده و تن به ننگ و تبلی و بیماری در داده رفته‌رفته از جاده شریعت انحراف... می‌جستند (*حبل‌المتین*، ۷ ربیع‌الاول ۱۳۱۹: ۱۰).
۷. ابراهیم‌بیگ در کتاب خود به مراتب و به دفعات تجمل‌گرایی ایرانیان را زیرسؤال برده است (مراغه‌ای ۱۳۲۳: ۱۹۴، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹).
۸. هنگامی که عید نوروز با ایام عزاداری در محرم قرین شد، هفته‌نامه تعداد واردشدگان به نجف را ۲۰۰ هزار نفر نوشت (*حبل‌المتین*، ۱۵ صفر ۱۳۱۹: ۸). در برخی منابع این رقم نیم‌میلیون نفر نیز گزارش شده است (اوین ۱۳۳۵: ۳۸۶).
۹. از علما و مجتهدان نیز درخواست می‌شد به‌جای توقف در عتبات و ریختن پول به کیسه دولت دیگر به ایران تشریف بیاورند و پول‌ها را صرف ساختن راه‌آهن کنند (*حبل‌المتین*، ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۹: ۱۰).
۱۰. به‌منظور پی‌گیری این اعتراضات رجوع شود به *حبل‌المتین*، ۲۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۹: ۸؛ *حبل‌المتین*، ۱۳ رجب ۱۳۲۹: ۹؛ *حبل‌المتین*، ۴ شعبان ۱۳۲۹: ۱۰؛ *حبل‌المتین*، ۳ ذی‌حجه ۱۳۳۱: ۴.
۱۱. برای کسب اطلاعات بیش‌تر مراجعه کنید به *حبل‌المتین*، اول رمضان ۱۳۱۸: ۸؛ *حبل‌المتین*، ۸ رمضان ۱۳۱۸: ۱۶، ۱۷.

کتاب‌نامه

- اوین، اوژن (۱۳۳۵)، *ایران امروز*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۳۸)، *ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاوس جهان‌داری، تهران: خوارزمی.
- حاج‌سیاح، محمدعلی (۱۳۵۹)، *خاطرات حاج‌سیاح یا دوره خوف و وحشت*، به‌کوشش حمید سیاح، به‌تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: امیرکبیر.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، *حیات یحیی*، ج ۱، تهران: عطار.
- دیولافوا، ژان (۱۳۷۱)، *ایران؛ کلمه و شوش*، ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲)، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۳، تهران: نگاه.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۹۰)، *مشروطه به روایت موافقان و مخالفان*، ج ۲، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

عسیوی، چارلز (۱۳۸۸)، *تاریخ اقتصادی ایران قاجار*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
فلور، ویلم (۱۳۸۶)، *سلامت مردم در ایران قاجار*، ترجمه ایرج نبی‌پور، بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی.

کرزن، جرج ناتائیل (۱۳۶۷)، *ایران و قضیه ایران*، ج ۱، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.

مراغه‌ای، زین‌العابدین (۱۳۲۳)، *سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ*، مصحح محمدعلی سپانلو، تهران: آگاه.

- حبل‌المتین (۱۵ صفر ۱۳۱۴)، س ۳، ش ۲۵.
- حبل‌المتین (۲۲ صفر ۱۳۱۴) س ۳، ش ۲۶.
- حبل‌المتین (۲۱ شعبان ۱۳۱۴) س ۴، ش ۱۰.
- حبل‌المتین (۱۱ رجب ۱۳۱۵) س ۵، ش ۵.
- حبل‌المتین (۱۷ رمضان ۱۳۱۶) س ۶، ش ۱۴.
- حبل‌المتین (۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷) س ۶، ش ۴۰.
- حبل‌المتین (۱۱ رمضان ۱۳۱۷) س ۷، ش ۱۱.
- حبل‌المتین (۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۱۷) س ۷، ش ۱۱.
- حبل‌المتین (۱۷ صفر ۱۳۱۸) س ۷، ش ۳۲.
- حبل‌المتین (۲۶ صفر ۱۳۱۸) س ۷، ش ۳۱.
- حبل‌المتین (اول رمضان ۱۳۱۸) س ۸، ش ۱۳.
- حبل‌المتین (۸ رمضان ۱۳۱۸) س ۸، ش ۱۴.
- حبل‌المتین (۵ ذی‌قعدة ۱۳۱۸) س ۸، ش ۲۰.
- حبل‌المتین (۱۲ ذی‌قعدة ۱۳۱۸) س ۸، ش ۲۱.
- حبل‌المتین (۱۵ صفر ۱۳۱۹) س ۸، ش ۳۲.
- حبل‌المتین (۷ ربیع‌الاول ۱۳۱۹) س ۸، ش ۳۵.
- حبل‌المتین (۲۸ ربیع‌الاول ۱۳۱۹) س ۸، ش ۳۸.
- حبل‌المتین (۱۸ جمادی‌الاول ۱۳۱۹) س ۸، ش ۴۵.
- حبل‌المتین (۱۶ شوال ۱۳۱۹) س ۹، ش ۱۵.
- حبل‌المتین (۲۶ محرم ۱۳۲۰) س ۹، ش ۲۷.
- حبل‌المتین (۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۲) س ۱۱، ش ۳۷.
- حبل‌المتین (۲۶ رمضان ۱۳۲۲) س ۱۲، ش ۱۴.
- حبل‌المتین (۱۸ صفر ۱۳۲۳) س ۱۲، ش ۲۹.
- حبل‌المتین (۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴) س ۱۲، ش ۴۴.
- حبل‌المتین (۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۳) س ۱۳، ش ۱۹.

- حبل‌المتین (۲۹ ذی‌حجه ۱۳۲۳) س ۱۳، ش ۲۶.
- حبل‌المتین (۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴) س ۱۴، ش ۳۹.
- حبل‌المتین (۳ رمضان ۱۳۲۴) س ۱۴، ش ۳۹.
- حبل‌المتین (۱۷ رمضان ۱۳۲۴) س ۱۴، ش ۱۱.
- حبل‌المتین (۸ ذی‌حجه ۱۳۲۴) س ۱۴، ش ۴۵.
- حبل‌المتین (۳ صفر ۱۳۲۵) س ۱۴، ش ۳۰.
- حبل‌المتین (۲۴ صفر ۱۳۲۵) س ۱۴، ش ۳۴.
- حبل‌المتین (۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵) س ۱۴، ش ۳۸.
- حبل‌المتین (۱۲ صفر ۱۳۲۶) س ۱۵، ش ۳۳.
- حبل‌المتین (۲۰ جمادى‌الاول ۱۳۲۸) س ۱۷، ش ۴۴.
- حبل‌المتین (۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۹) س ۱۸، ش ۲۴.
- حبل‌المتین (۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹) س ۱۷، ش ۴۲.
- حبل‌المتین (۲۲ جمادى‌الاول ۱۳۲۹) س ۱۸، ش ۴۴.
- حبل‌المتین (۲۹ جمادى‌الاول ۱۳۲۹) س ۱۸، ش ۴۵.
- حبل‌المتین (۱۴ جمادى‌الثانی ۱۳۲۹) س ۱۹، ش ۱.
- حبل‌المتین (۶ رجب ۱۳۲۹) س ۱۹، ش ۳.
- حبل‌المتین (۱۳ رجب ۱۳۲۹) س ۱۹، ش ۴.
- حبل‌المتین (۴ شعبان ۱۳۲۹) س ۱۹، ش ۱۷.
- حبل‌المتین (۳ ذی‌حجه ۱۳۳۱) س ۲۱، ش ۱۸.
- حبل‌المتین (۱۳ ربیع‌الاول ۱۳۳۲) س ۲۱، ش ۲۸.
- حبل‌المتین (۹ رجب ۱۳۳۳) س ۲۳، ش ۴.
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۹۳)، «موانع اجتماعی - فرهنگی تشکیل شرکت و تأسیس کارخانه در ایران در عصر قاجار»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، س ۴، ش ۲.
- شریفی، شیرین، غلامحسین زرگری‌نژاد، سینا فروزش (۱۳۹۵)، «بررسی حمل‌ونقل در دوران قاجار و تأثیر آن بر تجارت، براساس مندرجات هفته‌نامه حبل‌المتین کلکته»، پژوهش‌نامه تاریخ، س ۱۱، ش ۴۴.
- شریفی، شیرین، غلامحسین زرگری‌نژاد، سینا فروزش (۱۳۹۶)، «بررسی معادن در دوران قاجار و تأثیر آن بر تجارت، براساس مندرجات هفته‌نامه حبل‌المتین کلکته»، سکویه، س ۱۲، ش ۴۳.
- بهرامی‌کمیل، نظام (۱۳۸۸)، «بررسی مسائل اجتماعی ایران در حبل‌المتین»، روش‌شناسی تاریخ شفاهی، س بی‌تا، ش ۹۱ و ۹۲.
- فرجی، مهدی (۱۳۹۸)، «تحلیل رویکرد و راه‌کار هفته‌نامه حبل‌المتین کلکته درقبال ترقی و علوم جدید (۱۳۱۳-۱۳۲۸ق) براساس نظریه انتقادی»، پژوهش‌های علوم تاریخی، س بی‌تا، ش ۹.